

## مقام حضرت زینب سرمشق شاگردان مکتب امام داری در آخرالزمان

### الگو برداری از مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) برای آموختن شیوه امام داری

حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) فرزند حضرت علی (علیه‌السلام) و حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) بودند، که سال‌روز تولدشان ۵ جمادی‌الاول و روز پرستار نام دارد. ایشان ۵۷ سال عمر کردند و در ۱۵ رجب سال ۶۲ قمری از دنیا رفتند.

همسر ایشان عبدالله بن جعفر نام داشت و از تاجران سرشناس عرب بود. مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) مقامی بسیار رفیع و نقطه عطف جوشش شخصیت ایشان در واقعه کربلا بود، ایشان و فرزندانشان به همراه امام حسین (علیه‌السلام) از مدینه هجرت کردند، فرزندان ایشان در روز عاشورا به شهادت رسیدند و پس از واقعه عاشورا به خیمه‌ها تعرض شد و حجاب بانوان را برداشتند و اسرا را با بی‌احترامی شهر به شهر چرخاندند. در طول تمام این وقایع، حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در حال تکمیل کار نیمه‌تمام امام حسین (علیه‌السلام) بودند و با ایراد خطبه تیز و برنده در کاخ یزید، تیر نهایی را زده و کار نیمه‌تمام امام را تمام کردند.

حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) را شریکه الحسین می‌گویند؛ چرا که در تمام مراحل حرکت و قیام همراه و شریک امام عصرشان بودند و هم‌قدم با ایشان حرکت می‌کردند.

نکته مهمی که ما همواره از آن غافلیم آن است که این‌طور باور کرده‌ایم که خداوند از ابتدا ایشان را فاضله و حکیمه خلق کرده‌اند؛ در حالی که مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و جایگاه ایشان نتیجه سال‌ها تقوا و تزکیه و تلاش و مراقبت از نفس بوده است. تمام برداشت‌های غلط ما از شخصیت ایشان به این علت است که ما ایشان را به‌درستی نمی‌شناسیم و به اطلاعات محدودمان قانع هستیم. تفکر و بررسی در شخصیت و مقام ایشان سؤالاتی ایجاد می‌کند:

● مهم‌ترین مقام حضرت چه مقامی است؟

● سبک امام‌داری حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) چگونه بود؟

● آیا ما هم می‌توانیم به مقام امام‌داری برای امام زمان مان برسیم؟

● چگونه می‌توانیم از حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) به‌عنوان الگوی امام‌داری بهره ببریم؟

بالاترین مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) مقام امام‌داری است، مقامی که تمام مقام‌های سلوکی و عرفانی را در خود گنجانده است. اگر عابد، زاهد و عارف هم باشیم، اما نتوانیم به معیت و سربازی امام عصرمان برسیم، فقط القاب و عناوین کودکانه‌ای برای خود دست و پا کرده‌ایم که ما را به سعادت نمی‌رسانند.

رسیدن به مقام امام‌داری برای همه فراهم است، اما چون این مقام کمی سخت است و رسیدن به آن به الگو و سرمشق یادگیری نیاز دارد، خداوند سرمشقی به نام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) قرار داد، تا همگان اصول و شیوه‌ امام‌داری را از ایشان بیاموزند و آن را در رکاب امام عصرشان تمرین کنند.

**چرا باید حقیقت وجود حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) را بشناسیم؟**

انسان معشوق‌های فراوانی دارد. این تجمع و تعدد معشوق‌های جذاب حواس ما را پرت کرده و معمولاً به جای پرداختن به متن ماجرا، درگیر حاشیه‌های سطحی می‌کند. خُلق سطحی‌نگری ما ریشه در شلوغی ذهن و هرج و مرج زیاد قلب دارد. درست مثل زمانی که به جای پرداختن و حلاجی سبک زندگی صحیح حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و شکل‌اعلای امام‌داری ایشان به اشک و افسوس و آه ترحم‌آمیز برای ایشان قانع می‌شویم. ما می‌توانیم با الگو گرفتن از سبک زندگی ایشان و تلاش برای شبیه شدن به ایشان خودمان را تا مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) رشد بدهیم، اما به دریافت حاجتی کوچک و زودگذر از ایشان راضی هستیم.

حضرت زینب متولد شدند و در دامان حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) پرورش یافتند، تا فرماندهی سپاهی از دوران امام زمان خودشان تا عصر امام آخرالزمان را به‌عهده بگیرند. آمدند تا راهبر کسانی شوند که قواعد و اصول عاشقی و امام‌داری را نمی‌دانند، اما محتاج آموختن و تمرین آن هستند. این خیانت که ما محبان ایشان حقیقت وصف‌ناپذیر ایشان را زیر توصیف دروغین ضعیف و محزون بودن ایشان دفن کرده‌ایم، کم از خیانت شمر و خولی در حق امام ندارد؛ در حالی که آن‌ها ادعایی در عشق به اهل بیت (علیهم‌السلام) نداشتند.

ما در بررسی این ماجرا با دو طیف از افراد مواجه هستیم؛ یک گروه کسانی که بر سینه امام نشستند و بر سر انگشتر و پیراهن ایشان به جان یکدیگر افتادند؛ گروه دیگر هم از مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) یک ضعیفه گریان و ذلیل که دائماً در حال گریه و شکایت است، معرفی می‌کنند. در حالی که هر دو واقعه مثله شدن امام و اسارت مقتدرانه حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) با هدف احیاء پیغام غدیر و دفاع از امام بود. هدف و قیمت قیام هر دو عزیز قابل محاسبه نیست و درست معرفی نکردن و تبیین نادرست آن مساوی خیانت در حق قیام عاشورا است.

حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) مثل برادرشان عزیزترین محبوب‌هایشان را قربانی کردند و رنج بی‌حرمی و اسارت و اهانت را به جان خریدند تا بتوانند بلاکش و واسطه همه برای رسیدن به آغوش سپاه امام زمان‌شان شوند. اگر ما این هدف مهم را نادیده بگیریم و درگیر عزاداری‌های سطحی و بدون معرفت شویم، حقیقتاً خسارت می‌دهیم.

### صفات‌ی که حضرت زینب را ولی خدا و نایب امام کرد

بی‌انصافی است اگر فکر کنیم مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) به این دلیل است که ایشان امام‌زاده هستند. با اینکه دلیل مهمی است، اما صدها امام‌زاده در تاریخ شیعه وجود دارند که هیچ‌کدام به مقامی حتی شبیه این مقام هم نرسیده‌اند. ریشه جایگاه

ویژه حضرت را باید در صفات خاص و کم‌نظیر ایشان پیدا کنیم؛ صفات و خلق‌هایی که حضرت برای کسب و نگهداری آن‌ها در نفس‌شان تلاش‌های عجیب و مبارزه‌های درونی فراوانی کردند.

با اینکه ایشان تندیس متحرک اغلب صفاتی هستند که قرآن و گفتار اهل بیت به آن سفارش دارند، اما بعضی صفات در سیره ایشان نمود و درخشندگی بیشتری از خود نشان می‌دهند.

مقام عصمت فقط مخصوص چهارده معصوم (علیهم‌السلام) نیست، بلکه درجات پایین‌تر آن در بعضی افراد مثل اولیاء خدا هم مشاهده می‌شود. افراد معمولی هم می‌توانند با تلاش و تزکیه و مبارزه با نفس این مقام را کسب کنند. حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) نیز از مقام عصمت صغری برخوردارند. ایشان آن قدر خود را در این مسیر رشد داده‌اند که توانسته‌اند به درجه پایین‌تری از عصمت مادرشان فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) برسند. اگر ایشان برای حفظ خود از گناهان و کسب صفات الهی سال‌ها تلاش نکرده بودند، هیچ‌گاه به مقام نایب امام زمان و شریکه‌الامام بودن نمی‌رسیدند؛ در حقیقت رمز موفقیت ایشان در میدان نبرد کربلا و شام سال‌ها مجاهدت درونی ایشان با نفس‌شان بود.

پس این تفکر که خداوند مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) را از ابتدا این طور خلق کرده، نادرست است، بلکه این مقام ثمره ایمان حقیقی ایشان بود. حضرت زینب یک لایله‌الاله گفتند و تا آخر هم پای آن ایستادند. اگر قرار بود خلقت ایشان طوری باشد، که حضرت به صورت خودکار و غیرارادی در جهاد بیرونی و جهاد درونی پیروز باشند، دیگر هنری در مقابله با مصائب نداشتند.

وقتی وجود انسان از قید و بند هستی محدودش رها می‌شود و به تنها هستی مطلق یعنی خدا ملحق می‌شود، وجودش از شرک خالی شده و در این زمان است که اراده و خواسته‌های او مظهر و انعکاس اراده و خواسته‌های خدا می‌شود. بنابراین نفس او بر موجودات دیگر غلبه پیدا می‌کند و در آن‌ها تغییر ایجاد می‌کند؛ درست مثل حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) که از نفسانیات خالی شده بودند و مظهري از اراده خداوند بودند.

## شرط رسیدن به مقام صبر، رضا و شکر

مقام عشق مقام قدم گذاشتن در وادی بلاهاست، مقام سوختن و گداخته شدن در بوتۀ رنج‌ها و دردها و امتحان‌هاست. لذت بردن از بلای معشوق نشانهٔ صداقت در عشق است. عاشق کسی است که بلاها و سختی‌های راه عاشقی را با جان و دل می‌پذیرد، اما عملاً رسیدن به شیرینی این ادراک به این راحتی‌ها هم نیست. انسان باید مراحل و مراتب زیادی را بگذراند تا به نقطه‌ای برسد که نه تنها پذیرش دردها و امتحان‌ها را داشته باشد، بلکه بتواند آن‌ها را شیرین و زیبا هم ببیند. برای رسیدن به این نقطه باید از سختی‌ها و تلخی‌های مبارزه با نفس عبور کرد.

چگونه ممکن است کسی کشته و مثله شدن عزیزانش را [زیبایی](#) ببیند؟ چگونه می‌شود کسی بابت آزارهای اسارت خدا را شکر کند؟ در بیان چگونگی شکل‌گیری مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) باید از اکسیر صحبت کنیم. اکسیر به ماده یا جوهری گفته می‌شود که می‌تواند ماهیت چیزی را تغییر دهد، مثل این که بگوییم جیوه می‌تواند مس را طلا کند. عشق همان اکسیری است که به هر چیزی وارد شود، آن را زیبا و شیرین می‌کند. اتفاقاً این اکسیر فقط در اختیار حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) هم نیست و همهٔ ما می‌توانیم از این اکسیر استفاده کنیم، اما خودمان نخواسته‌ایم آن را بچشیم و در جان مان جاری کنیم.

این مروارید گران را وقتی می‌توان به دست آورد که بی‌حرف و سخن به دریای تقوا پرید و بعد از آموختن شنا و تمرین در آن عشق را یافته و صاحب آن شد. رمز رسیدن به مقام صبر، آموختن و تمرین تقوا در درون ماست. اگر بتوانیم تمرین تقوا و خودسازی را بیشتر کنیم، به مرور می‌بینیم که حتی مرتبۀ صبر هم در جان ما رشد می‌کند و به مقام رضا تبدیل می‌شود و متوجه می‌شویم که قلباً به اتفاقات پیش آمده راضی هستیم. البته رسیدن به این مقام به صورت آنی و ناگهانی محقق نمی‌شود، بلکه باید مدت‌ها صبر را در ابعاد مختلف تمرین کرد؛ صبر در مقابل گناهان، صبر در مقابل آزار دیگران، صبر در مقابل خواهش‌ها و هیجانات نفسانی و شیطانی، صبر در مقابل سختی‌ها و مشکلات.

در سیر رشد نفسانی و قد کشیدن روح می‌بینیم که حتی از مقام صبر و رضا هم فراتر رفته‌ایم و به مقام شکر رسیده‌ایم و دیگر صبر و رضا برای ما کافی نیست و قلباً هم برای آن مصیبت و امتحان خدا را شکر می‌کنیم. عشق یک شیء دم‌دستی و ارزان

نیست که به راحتی به دست بیاید و در اختیار ما قرار بگیرد. عشق قیمتی‌ترین شیء عالم است و قیمت آن را فقط با تمرین تقوا و خودسازی می‌توان فراهم کرد. مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) هم بیان‌گر آن است که ایشان هزینه زیاد و غرامت سنگین را مدت‌ها قبل از واقعه کربلا در میدان تمرین تقوا و ایمان و تزکیه پرداخت کرده بودند، که توانستند از معرکه امام‌داری کربلا سربلند بیرون بیایند.

صبر جمیل حضرت به ما آموخت اگر قبل از آزمون امام‌داری آماده نشویم، در بزنگاه امتحانات سخت امام‌داری مردود می‌شویم. اگر مدت‌ها قبل از ظهور به مراقبت و خودسازی و تقوا نپردازیم، بازنده غربال‌ها و امتحانات سنگین بزنگاه ظهور می‌شویم.

### سبک امام‌داری حضرت، ایشان را شریکه‌الْحسین کرد.

یکی از القاب مهم حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) شریکه‌الْحسین است. اگر بگوییم این لقب حضرت تمام صفات و افتخارها و امتیازهای ایشان را به تنهایی در خود جای داده، بی‌راه نگفته‌ایم. شریک امام‌زمان خود شدن و خود را در مقام، رسالت و اهداف او سهیم کردن، کار هر کسی نیست و مرد راه خودش را می‌خواهد؛ چون اگر غیر از این بود که همه حسین (علیه‌السلام) را دوست داشتند. اصلاً مگر می‌شود حسین (علیه‌السلام) که مجموعه شیرینی هاست را دوست نداشت. به گواهی تاریخ حتی عمر سعد هم که در شهادت امام نقشی کلیدی داشت برای شهادت ایشان اشک می‌ریخت.

اما ماجرای زینب (سلام‌الله‌علیها) فرق می‌کرد؛ ایشان تمام هست و نیست زمینی‌شان را در راه رسیدن به امام‌زمان‌شان زمین زدند و آن‌ها را پایین پای امام‌شان ذبح کردند تا شریکه‌الْحسین شدند. آن چه مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) را به شراکت در مقام امامت و هدایت امام معصوم رساند، سبک امام‌داری ایشان بود.

اصلاً خداوند می‌خواست به انسان ثابت کند که انسان می‌تواند مقام امام را نداشته باشد و حتی از نظر جسمی هم لطیف‌تر از مرد باشد، اما دوش به دوش امام معصوم قدم بردارد و پا به پای امام عصرش جهاد کند. پس بزرگ‌ترین بار عالم را روی دوش یک زن گذاشت، زنی که هیچ کس برای او ادعای عصمت نداشت.

نقش مشترک و مشابهی که ایشان و مادرشان فاطمه (سلام‌الله‌علیها) در تاریخ نشان دادند، به ما یک پیغام و دستور مهم را مخابره می‌کند؛ ایشان دیگر خود را یک زن یا یک مرد نمی‌دیدند، بلکه ایشان خود را در مرتبه یک انسان می‌دیدند و رمز تمام موفقیت‌های ایشان هم همین نگرش بود. این دیدگاه به ایشان عظمت و وسعت نفسی غیر قابل وصف می‌داد و باعث می‌شد تمام غم‌ها و مصیبت‌ها را مربوط به بخش‌های پایین‌تر وجودشان ببینند. این نگرش باعث می‌شد غم‌ها و ضربه‌ها ایشان را محکم‌تر کند، چون می‌دانستند هم زمان با این امتحان‌ها من حقیقی و جاویدان وجودشان در حال رشد و پرورش است. ایشان می‌دانستند با هر صبر جمیل در مقابل هر کدام از این دردها قدمی جدی به مقام امام و رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نزدیک می‌شوند.

## تربیون کرب و بلا

در عرب به زن عقیقی که در میان مردان دائم‌السکوت است یا با صدای پایین صحبت می‌کند، خَفر می‌گویند، زنی بسیار باحیا که فقط در مواقع لزوم و با حجاب کامل با کمترین کلمات با نامحرم‌ها حرف می‌زند. حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) را خفر می‌گفتند. خدا این خفر شریف را در این میدان آزمایش سختی قرار می‌دهد، که باید با لباسی که حتی مناسب شأن خانم‌های با حجاب معمولی هم نیست در مقابل نامحرمان بد ذات قرار بگیرد. ایشان باید بتوانند خود را کنترل کنند و در این شرایط دردناک حتی سخنرانی هم نکنند، در شرایطی که هر بانوی محجوبی تلاش می‌کند کمتر به چشم بیاید تا حواس‌ها از او پرت شود و چشم‌ها کمتر بر تن او تعرض کنند. اما این بانو که در رزم بزرگ امام زمانش شریک بود، بدون توجه به دردها و شرم‌ها باید

جنگ را به نفع اهداف الهی جلو ببرد، تا مشخص شود در مقام انتخاب بین آبروی خود و خواست خدا کدام یک را انتخاب می‌کنند.

همان طور که عزیزان امام حسین (علیه‌السلام) مقابل چشمان ایشان کشته می‌شدند و امام برای هدایت بندگان حریص‌تر می‌شدند، حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) هم مصیبت‌ها را می‌دیدند و در پیش برد صحیح قیام برادر مصمم‌تر می‌شدند. ایشان خوب می‌دانستند که فقط یک مرحله از قیام عاشورا سپری شده و مرحله مهم بعدی را که مرحله پیام‌رسانی، تبیین و روشن‌گری بود، ایشان باید به سرانجام برسانند. کربلا رسانه بود و ایشان باید انتخاب می‌کردند که هدف امام و عاشورایش را فریاد بزنند یا با ضعف و ذلت به عزاداری بپردازند؟ پس مثل مادرشان با مدیریت احساسات بار امانت امام زمان‌شان را به خوبی به دوش کشیدند و باز هم خود را به مقام شراکت با امام عصرشان رساندند.

تصور کنید اگر وقایع عاشورا توسط حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) مطرح و موشکافی نمی‌شد، آیا کسی از قیام عاشورا و جزئیات این جنایت هولناک آن هم در بیابانی بایر مطلع می‌شد؟ مدیریت بحران و تدبیراندیشی ایشان به قدری صحیح و نقطه زن بود که ایشان نه تنها با سخنانشان، بلکه با حرکات و رفتارهایشان هم معرف و راوی حقانیت و مظلومیت امام‌شان بودند. خطبه مشهور حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) مقابل ابن مرجانه در کاخ کوفه و جملات کوبنده حضرت در کاخ یزید نقطه عطف جهاد تبیین ایشان و تیر نهایی آل رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به قلب فرزند معاویه و حکومت فاسدش بود.

### سخت‌ترها برای من آسان‌ترها برای امام

بعضی قانون‌ها با اینکه جایی نوشته نشده‌اند، اما قطعی و رد‌نشده هستند. در مسیر بررسی مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) هم به یکی از این قانون‌ها برمی‌خوریم. سناریو و نقشه‌ای که خداوند برای ارتباط و تعامل شیعه با امامش چیده، همواره این‌طور بوده که همه کارها بر دوش امام نیست؛ شیعه باید ولایت‌مداری و عشق و ایثار خود برای امامش را در میدان امتحان‌ها نشان دهد.



با این که تمام عالم متعلق به امام است و مدیریت تمام امورات عالم به عهده امام آن عصر است، اما خواست و سلیقه خدا آن است که مأموم ارادت و وفای خود را در دفاع از امام اثبات کند. مأموم باید همیشه داوطلب و پیش‌رو در امام‌داری باشد. اصلاً گاهی امام عمداً عقب می‌ایستد تا مأموم را در معرکه امام‌خواهی و امام‌داری محک بزند. خطبه برنده حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در مقابل یزید ارکان حکومت او را لرزاند. این خطبه کل حوادث تاریخ را تغییر داد و شکست ظاهری عاشورا را به فتح بی‌نظیر و پیروزی قطعی بنی‌هاشم بر بنی‌امیه تبدیل کرد.

مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) نکته عاشقانه‌ای را به ما می‌آموزد؛ نکته‌ای که می‌شود بارها آن را خواند و در آن تمرین و تفکر کرد. مقاتل نوشته‌اند که جان امام در چند نقطه از واقعه کربلا در خطر بود، در اینجا حضرت زینب پناه امام شده و ایشان را نجات دادند؛ درست مثل آن لحظه که پیکر امام را از جسد مطهر حضرت علی‌اکبر جدا کردند و به خیمه‌ها برگرداندند.

ایشان سال‌ها زره امام بودن را تکرار کرده بودند و در تمام معرکه‌های امام‌داری از حضرت علی (علیه‌السلام) تا حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها)، از امام حسن تا امام حسین و امام سجاد (علیهم‌السلام) همیشه آن قسمت ماجرا را که به تحمل بیشتری نیاز بود، برای خود انتخاب می‌کردند. همین آمادگی هم باعث شد همیشه در تقسیم کار و شراکت با امام سخت‌ترین کارها را برای خود دست‌چین کنند. حتی در کربلا هم کار بانو سخت‌تر بود، چون آنچه را امام نمی‌توانستند تحمل کنند، ایشان به جان خریدند. ایشان حمله نامحرمان وحشی به خیمه‌ها را طاقت نیاوردند، اما حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) بیست و یک روز این هجوم را تحمل کردند و نشکستند.

اگر حضرت عباس علم‌داری بودند که با دست باز به علقمه رفتند، حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) با دستان زنجیر بسته به خط مقدم دشمن زدند. ایشان بدون همسرشان همراه امام هجرت کردند و فرزندان‌شان را پای امام قربانی کردند و آن چه برای سایر شهدا و اسرا کردند، برای فرزندان شهید خود نکردند.

همین تشخیص‌های به موقع و تصمیم‌های درست و امام‌داری بی‌نظیر ایشان باعث شد که امام در لحظات پایانی به ایشان فرمودند: «من و تو و علی بن الحسین (سجاد) یکی هستیم و تو مثل ما هستی» در حقیقت سبک زندگی درست و امام‌داری شایسته ایشان حضرت را حتی با حجت خدا هم مرتبه کرد.

ایشان وظایف را بین خود و امام سجاد (علیه‌السلام) تقسیم کردند، اما قسمت سخت را به نام خود زدند. خطبه‌ها و محتوای آن‌ها در کاخ یزید باید بین ایشان و امام سجاد (علیه‌السلام) تقسیم می‌شد؛ حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) بخش پر خطر را سهم خود کردند. مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) این طور بود که خطبه اصلی که پرده‌ها را می‌انداخت و افشاگری می‌کرد، سهم ایشان شد و خطبه مکمل آن که احیاء غدیر بود توسط امام سجاد (علیه‌السلام) ایراد شد. خانوم در این کاخ و با این خطبه همان شمشیر پدر در بدر و احد و خیبر را به دست گرفته بودند و کفر و نفاق را گردن می‌زدند. در این صحنه حضرت همان مأمومی بودند که دور کعبه امام در حال گردش بودند تا مبادا کوچکترین چیزی جان امام سجاد (علیه‌السلام) را تهدید کند و نسل امامت قطع شود.

## ما چگونه شریک امام زمان خود شویم؟

گفتیم اولین قدم در رشد مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و رسیدن به مقام امام‌داری که رفیع‌ترین مقام عالم است، خودسازی و تقوا و تزکیه ایشان بود. اگر ما هم مشتاقیم از رکود و یک‌نواختی و حتی عقب‌گردهای نفسی و معنوی خارج شویم و قدم به قدم به امامان نزدیک شویم و به سپاه ایشان وارد شویم، راهی جز عبور از خود کاذب و دنیایی و ترک گناهان نداریم. قانون مهمی در مسلک امام‌داری وجود دارد که کمتر کسی از آن باخبر و به آن پایبند است؛ قانون تغییرناپذیری که تنها مسیر ما برای معیت و رفاقت با امام است. این قانون می‌گوید هرچه درون ما بیشتر از گناهان و زشتی‌ها پاک شود، قلب ما به امام نزدیک‌تر می‌شود؛ این سنخیت بین قلب ما و امام ما را به ایشان نزدیک‌تر می‌کند و ما محرم درگاه ایشان می‌شویم.

اگر حضرت به مقام شریکه‌الحسین رسیدند، ما هم می‌توانیم به مقام ایشان برسیم و شریکه‌المهدی شویم. قطعاً ما هم می‌توانیم با اعمال مان شریکه‌المهدی شویم، اما این شراکت دردها، صبرها و عشق بسیاری می‌طلبد. همان طور که حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در تمام مصائب امام‌شان شریک بودند، شریکه‌المهدی هم باید اسمش در تمام مصائب امامش نوشته شود. او باید در غم‌ها و دغدغه‌های امامش سهیم باشد و سبک زندگی و هدف زیستن خود را بر مبنای رفع موانع ظهور ایشان قرار دهد.

مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) به همه آموخت برای امام‌داری و دفاع از امام نیاز به کار عجیب و مردانه‌ای نیست. اگر در لحظه به تکلیف عمل کنیم، کلمه‌های ما تیر می‌شوند و بر جان دشمن می‌نشینند.

مقام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) به این دلیل این قدر وسیع شد که ایشان به خود از دیدگاه الهی می‌نگریستند و غم‌ها و مصیبت‌ها را مربوط به بخش‌های پایین‌تر وجود خود مثل بخش‌های حیوانی و ظاهری می‌دیدند و به بعد انسانی و الهی خود متکی بودند. حقیقت ما این بدن و دنیا نیست؛ ما از جنس محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و آل محمد هستیم و نباید در مسیر امام‌داری در دردها و مشکلات متوقف شویم.

آیا همان‌طور که حضرت در راه امام‌شان به زحمت افتادند، ما هم تا کنون خودمان را به زحمت انداخته‌ایم؟ هر مرد و زن شیعه باید روحیه قهرمانی را در وجودش تقویت کند. نفس اژدهاست و غیرت را می‌خورد و انسان بدون غیرت الهی نمی‌تواند در معیت امامش بماند. ما ابتدا باید قهرمان نفس‌مان شویم تا بتوانیم، قهرمان میادین امام‌داری و دفاع از امام شویم.

کسی که می‌خواهد پای کار امامش بماند باید افکار، انتخاب‌ها و ارتباطاتش را منطبق با خواست امام قرار دهد، تا بتواند در مسیر امام بماند. این شباهت و سنخیت بین امام و مأموم باعث می‌شود که انسان به راحتی جان و مال و تمام معشوق‌های دنیایش را فدای امام و آمدن او کند، تا ابدیتی شیرین را در کنار امام برای خود بخرد.